



صالحی فدردی، جواد؛ باقری نژاد، مینا؛ فرزانه، زهرا؛ طالبیان شریف، جعفر (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ساختار انگیزشی و رضایت زناشویی. پژوهش های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱(۱)، ۱۵۲-۱۳۳.

## بررسی رابطه بین ساختار انگیزشی و رضایت زناشویی

جواد صالحی فدردی<sup>۱</sup> - مینا باقری نژاد<sup>۲</sup> - زهرا فرزانه<sup>۳</sup> - جعفر طالبیان شریف<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱۲

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین ساختار انگیزشی و رضایت زناشویی انجام گرفت. ساختار انگیزشی مجموعه مولفه‌هایی است که موفقیت افراد را در دستیابی به اهداف متعدد زندگی، از جمله در حیطه خانوادگی، تعیین می‌کند. شرکت کنندگان (تعداد = ۱۲۲، ۷۹٪ زن) با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از میان دانشجویان متأهل دانشگاه فردوسی انتخاب شدند و پرسشنامه‌های اهداف شخصی (*PCI*) و رضایت زناشویی را کامل کردند. برای خلاصه کردن داده‌های حاصل از *PCI* از روش تحلیل مؤلفه اصلی (*PCA*) استفاده شد. بر اساس الگوی بارهای عاملی، شاخص انگیزش انطباقی محاسبه شد. برای آزمون روابط بین رضایت زناشویی کلی و مؤلفه‌های آن با انگیزش انطباقی از روش تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. نتایج نشان داد که بعد از کنترل اثر سن، جنسیت، سال‌های تأهل، تعداد فرزند، سن و شغل همسر، افزایش در انگیزش انطباقی، افزایش در رضایت زناشویی کلی و مؤلفه‌های آن را پیش‌بینی می‌کند. ساختار انگیزشی انطباقی، ۶/۸ درصد از تغییر در واریانس نمره کلی رضایت زناشویی، ۶/۷ درصد از تغییر در واریانس جاذبه، ۳/۱ درصد از تغییر در واریانس تفاهم، ۳/۵ درصد از تغییر در واریانس طرز تلقی و ۱۰/۴ درصد از تغییر در واریانس سرمایه‌گذاری را پیش‌بینی کرد. نتیجه آن که به نظر می‌رسد که سطح کلی موفقیت در دستیابی به اهداف در حیطه‌های مختلف زندگی می‌تواند عامل مهمی در تعیین رضایت زناشویی باشد. نتایج در ارتباط با سودمندی مشاوره انگیزشی برای ارتقاء رضایت زناشویی مورد بحث قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** ساختار انگیزشی، رضایت زناشویی، جاذبه، تفاهم، طرز تلقی، سرمایه‌گذاری

<sup>۱</sup> استاد یار دانشگاه فردوسی مشهد، j.s.fardadi@um.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>۳</sup> کارشناس دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>۴</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

**مقدمه**

رضایت زناشویی ارزیابی ذهنی و احساس فرد در مورد رابطه زناشویی اش می‌باشد (تامپسون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸؛ به نقل از برازنده، ۱۳۸۴). رضایت زناشویی مفهومی گسترده و چند بعدی است که عوامل مختلفی در آن دخیل و تأثیر گذار است. این مفهوم، بخش وسیعی از پژوهش‌های منتشر شده در زمینه زناشویی را به خود اختصاص داده است (کدیر<sup>۲</sup>، دسیلوا<sup>۳</sup>، پرینس<sup>۴</sup> و خان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). هدف پژوهش‌های گوناگون همواره فهم متغیرهایی بوده است که بر رضایت زناشویی تأثیر گذارند.

در سال‌های اخیر، نقش اهداف در رضایت زناشویی در قالب پژوهش‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است (کاپلان<sup>۶</sup> و مادیکس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲). یکی از نظریاتی که بر اساس کیفیت اهداف و شیوه‌های جستجوی هدف توسط افراد گسترش پیدا کرده، الگوی انگیزشی ککس<sup>۸</sup> و کلینگر<sup>۹</sup> (۲۰۰۴، ۱۹۹۹، ۱۹۹۸) است.

الگوی انگیزشی ککس و کلینگر (۲۰۰۴، ۱۹۹۹، ۱۹۹۸) در اصل با جهت‌گیری بر رفتارهای اعتیادی گسترش پیدا کرده است. با این وجود، به سادگی می‌توان اصول این نظریه را در دیگر حیطه‌های روان‌شناسی مورد استفاده قرار داد. دو نکته اساسی این نظریه عبارت است از: (الف) ساختار انگیزشی افراد در موفقیت یا شکست در رسیدن به اهداف نقش تعیین‌کننده‌ای به عهده دارد؛ و (ب) اگر افراد نتوانند در رسیدن به اهداف موفقیتی کسب کنند، دچار احساسات نامطلوب می‌شوند. این احساسات می‌تواند تصمیمات و رفتارهای فرد را در حیطه‌های مهمی از زندگی تحت تأثیر قرار دهند (برای نمونه، مصرف مواد و زندگی زناشویی).

طبق دیدگاه ککس و کلینگر (۲۰۰۴) اهداف نقش کلیدی در رفتار بشر ایفا می‌کنند. رفتار افراد حول محور پیگیری یک هدف و لذت بردن از آن سازمان می‌یابد. بنابراین، تعیین هدف‌های مناسب و احساس تعهد نسبت به آن برای رسیدن به سلامت روان شناختی از اهمیت خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر، رضایت افراد در زندگی تا حد زیادی از باور آنها نسبت به دستیابی به اهداف مطلوب شان

<sup>1</sup> Thompson<sup>2</sup> Qadir<sup>3</sup> Desilva<sup>4</sup> Prince<sup>5</sup> Khan<sup>6</sup> Kaplan<sup>7</sup> Maddux<sup>8</sup> Cox<sup>9</sup> Klinger

سر چشمه می گیرد (کاپلان و مادیکس، ۲۰۰۲). هم‌چنین، پژوهش‌های هالیچ<sup>۱</sup> و جیپرت<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) نیز نشان داده اند که احساس رضایت از زندگی و احساس سلامت به داشتن اهداف قابل دستیابی بستگی دارد، به خصوص در مورد افرادی که نسبت به اهداف خود، احساس تعهد بیشتری می کنند. به علاوه، چموک<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که کیفیت اهداف در زندگی به طور مستقیم با احساس سلامت هیجانی<sup>۴</sup> رابطه دارد. برای نمونه، افرادی که اهداف مهم و معنادار در زندگی خود دارند، در مقایسه با افرادی که اهداف مهم و معناداری ندارند، از انگیزه بیشتری برخوردارند، احساس شادمانی بیشتری دارند و کمتر احتمال دارد به اختلالات هیجانی مبتلا شوند (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴؛ صالحی فدردی، ۲۰۰۳؛ کلینگر، ۱۹۷۷؛ پنرچ<sup>۵</sup> و چونک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲) و کمتر احتمال دارد در رفتارهای تهاجمی درگیر شوند و نیز کمتر احتمال دارد به مصرف الکل و یا دیگر مواد شیمیایی روی بیاورند (سلن<sup>۷</sup>، مک موران<sup>۸</sup>، ککس، تدرسی<sup>۹</sup> و کلینگر، ۲۰۰۶). به علاوه، دستیابی به اهداف بین فردی، از قبیل روابط صمیمانه و نزدیک، ارتباط بسیار قوی با احساس سلامت در زندگی دارد (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴). کاپلان و مادیکس (۲۰۰۲) نشان دادند که حمایت همسران از یکدیگر برای دستیابی به اهداف شخصی و مشترک شان با افزایش در رضامندی زناشویی همراه است.

دیدگاه ککس و کلینگر (۲۰۰۴) از دو بخش (الف) دغدغه های جاری و (ب) ساختار انگیزشی تشکیل شده است. با تعیین هدف، یک حالت انگیزشی آغاز می شود که دغدغه جاری<sup>۱۰</sup> نامیده می شود. دغدغه جاری، یک حالت ذهنی با ماهیتی شناختی است که رابطه قوی با هیجان دارد. یک دغدغه جاری در فاصله میان دو نقطه آغاز و پایان وجود دارد. یعنی، از زمانی که فرد برای دست یافتن به هدف متعهد می شود تا زمانی که به هدف دست پیدا می کند یا آن را رها می کند (کلینگر، ۱۹۷۷؛ ککس و کلینگر، ۲۰۰۴). بنابراین، دغدغه های جاری در قید زمان معنا پیدا می کنند. یعنی زمانی که فرد به کار دیگری می پردازد یا در خواب است، دغدغه جاری ناپدید نمی شود (برای نمونه، نیکلز<sup>۱۱</sup>، برچ<sup>۱۲</sup>، کلینگر و برسل<sup>۱۳</sup>،

<sup>1</sup> Halisch

<sup>2</sup> Geppert

<sup>3</sup> Schmuck

<sup>4</sup> emotional well-being

<sup>5</sup> Pintrich

<sup>6</sup> Schunk

<sup>7</sup> Sellen

<sup>8</sup> McMurrin

<sup>9</sup> Theodosi

<sup>10</sup> current concern

<sup>11</sup> Nikles

<sup>12</sup> Brecht

<sup>13</sup> Bursell

(۱۹۹۸). هر چند ممکن است چندین دغدغه جاری، در یک زمان با هم وجود داشته باشند، اما این بدان معنا نیست که رفتار شخص در هر لحظه بازتاب این دغدغه‌ها است. به علاوه، زمانی که افراد هدفی دارند، همواره حواس آنها در هر لحظه متوجه هدف نیست. بلکه، دغدغه جاری در یک سطح نیمه هشیار به فعالیت می‌پردازد تا زمانی که فرد هدف را به انجام برساند یا آن را رها کند.

دغدغه‌های جاری، فرد را در حالتی قرار می‌دهند که برای دستیابی به هدف، منتظر یک فرصت باشد. پردازش‌های روان‌شناسی از جنبه‌های مختلف یک دغدغه جاری برای دستیابی به هدف ضروری است. دغدغه جاری فرد را نسبت به سرنخ‌های مربوط به هدف حساس می‌کند (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴). در واقع، هر دغدغه جاری ماهیتی پویا دارد که هشیارانه یا نا هشیارانه منابع فرد را به سمت هدف زیربنایی هدایت می‌کند. این امر به وسیله‌ی اختصاص دادن زمان بیشتر به تفکر پیرامون هدف، جستجوی اطلاعات یا حساسیت زیاد به کوچکترین چیزی که به گونه‌ای با هدف مرتبط است، تحقق می‌پذیرد.

در دیدگاه ککس و کلینگر (۲۰۰۴)، انگیزش به عنوان فرایندهایی تعریف می‌شود که راه‌های رسیدن به هدف را میسر می‌سازند. بر این اساس، اهداف فرد و شیوه‌های جستجوی آنها ساختار انگیزشی نامیده می‌شوند. ساختار انگیزشی شامل عوامل درون فردی و بین فردی است که در موفقیت یا شکست فرد در دستیابی به اهداف نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ساختار انگیزشی افراد می‌تواند انطباقی یا غیرانطباقی باشد. ساختار انگیزشی انطباقی در دو بعد از ساختار انگیزشی غیرانطباقی متمایز می‌شوند: (الف) نوع مشوق‌های انتخاب شده برای تعقیب؛ مانند، ورزش در مقابل قمار بازی؛ (ب) شیوه تعقیب هدف (صالحی فردی، ۲۰۰۳).

نتایج پژوهش‌های مختلف (برای نمونه، ککس، بلونت<sup>۱</sup>، و هیزر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ کلینگر و ککس، ۲۰۰۴؛ ککس و کلینگر، ۲۰۰۲؛ ککس و همکاران، ۲۰۰۲؛ من<sup>۳</sup> و استاچلیکوا<sup>۴</sup> و کلینگر، ۱۹۸۸؛ به نقل از صالحی فردی و ککس، ۲۰۰۸) نشان داده است، افرادی که با ساختار انگیزشی غیرانطباقی مشخص می‌شوند، در دستیابی به اهداف کمتر موفق خواهند بود، احساسات منفی بیشتری را تجربه می‌کنند و بیشتر احتمال دارد برای تغییر حالات خود به مصرف الکل روی بیاورند. در مقابل، افراد با ساختار انگیزشی انطباقی بیشتر احتمال دارد به اهداف خود دست پیدا کنند، احساس شادی و رضایت بیشتری دارند و کمتر نیاز دارند برای تغییر حالات خود به الکل متوسل شوند.

<sup>1</sup> Blount

<sup>2</sup> Hoiser

<sup>3</sup> Man

<sup>4</sup> Stuchlikova

ویژگی های ساختار انگیزشی غیرانطباقی را در مقایسه با ساختار انگیزشی انطباقی می توان بر اساس کاهش در ابعاد زیر عنوان کرد: (الف) انگیزش اشتیاقی؛ (ب) خوش بینی در رسیدن به اهداف؛ (ج) درگیری هیجانی در دستیابی به اهداف؛ (د) احساس تعهد در دستیابی به اهداف؛ و (ه) احساس کنترل در دستیابی به اهداف. در واقع، نقش الگوی انگیزشی فرد در موفقیت یا شکست در دستیابی به اهداف، مهمتر از توانایی های ذهنی است (صالحی فدردی و ککس، ۲۰۰۸).

تحقیقات نشان داده اند افرادی که معمولاً اهداف اجتنابی را دنبال می کنند نسبت به افرادی که بیشتر اهداف اشتیاقی دارند، کمتر از زندگی و کارشان رضایت دارند (الیوت<sup>۱</sup>، شلدون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸؛ روبرسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹). تحقیق الیوت و چرچ<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) نیز نشان داده است که بین خلق و خوی گرایشی از یک طرف و هیجانات مثبت و فعال بودن در تعقیب هدف همبستگی قوی وجود دارد. همین طور بین خلق و خوی اجتنابی و رفتارهای نورتیک، هیجانات منفی و منفعل بودن در تعقیب هدف نیز همبستگی قوی وجود دارد. تحقیقات دیگر نشان داده اند افرادی که از انگیزش اجتنابی برخوردار هستند نسبت به سایر افراد بیشتر مبتلا به بدبینی هستند.

احساس کنترل و انگیزش درونی، از تعیین کننده های مهم ساختار انگیزشی هستند (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴). احساس کنترل یک باور شخصی است با این مضمون که می تواند به نتیجه دلخواه دست پیدا کند (شپرو<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴). بر پایه یافته های پژوهشی، احساس کنترل بر روی محیط، نقش مهمی در سلامت روان افراد دارد. احساس فقدان کنترل، تلاش های فرد و توانایی هایش را در رسیدن به اهدافش کاهش می دهد (شپرو، ۱۹۹۴). در مقابل، افرادی که احساس کنترل بیشتری در زندگی دارند، نسبت به دستیابی به اهداف شان در آینده نزدیک امیدوارترند (سلیگمن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱).

منظور از انگیزش درونی، میل به پرداختن به علایق و استعدادها است. رفتارهایی که از انگیزش درونی حاصل شده اند برای ادامه نیاز به دریافت حمایت و تقویت بیرونی ندارند (ریو<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲). افرادی که با انگیزه درونی کاری را انجام می دهند به این دلیل است که از آن لذت می برند. چنین افرادی بر روی هدف تمرکز می کنند و رفتارشان حول محور دستیابی به هدف شکل می گیرد. در نتیجه، پیامدهای مثبتی بدست می آورند. به علاوه، این افراد، شکست در راه دستیابی به اهداف شان را به عنوان فرصتی

<sup>1</sup> Elliot

<sup>2</sup> Sheldon

<sup>3</sup> Roberson

<sup>4</sup> Church

<sup>5</sup> Shapiro

<sup>6</sup> Seligman

<sup>7</sup> Reeve

برای یادگیری تلقی می‌کنند. بنابراین، تعهد بیشتری برای دستیابی به هدف دارند (کلینگر، ۱۹۷۷). ویژگی‌های احساس کنترل و انگیزش درونی، در شکل‌گیری ساختار انگیزشی انطباقی نقش مهمی دارند. در پژوهش سپهری شاملو (۲۰۰۷) نشان داده شده است که انگیزش درونی و احساس کنترل با انگیزش انطباقی رابطه مثبت دارند. بر اساس یافته‌ها، افراد با ساختار انگیزشی انطباقی با اهدافی که خود برگزیده‌اند، برانگیخته می‌شوند و بر روی آنها احساس کنترل دارند. با در نظر گرفتن نقش ساختار انگیزشی انطباقی در رضایت از زندگی، پژوهش حاضر، اثر ساختار انگیزشی بر رضایت زناشویی و مقوله‌های آن را، به عنوان جزئی مهم از رضایت کلی فرد از زندگی، مورد بررسی قرار داده است.

## روش

### شرکت‌کنندگان

جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان متأهل دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل دادند. به جهت عدم دسترسی به آمار دقیق دانشجویان متأهل هر دانشکده به تفکیک، از روش گزینش غیرتصادفی استفاده شد. بعد از روشن ساختن هدف پژوهش در صورت اعلام موافقت دانشجویان و پر کردن برگه اطلاعات و رضایت‌نامه تحقیق، نحوه پرکردن پرسشنامه‌ها در گروه‌های ۳ تا ۱۰ نفری توسط پژوهشگران توضیح داده می‌شد. در این پژوهش ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شد و در نهایت حجم نمونه‌ای برابر با ۱۲۲ نفر (۷۹٪ زن) بدست آمد. این پژوهش از نوع همبستگی است.

### ابزار

**پرسشنامه دغدغه‌ها یا پدیدارهای شخصی (PCI).** پرسشنامه دغدغه‌های شخصی<sup>۱</sup> (PCI): ککس و کلینگر، ۲۰۰۳، ۲۰۰۲) فرم تجدید نظر شده و کوتاه از پرسشنامه ساختار انگیزشی<sup>۲</sup> (MSQ): ککس و کلینگر، ۱۹۹۶، ۱۹۸۶؛ کلینگر و ککس و بلونت، ۱۹۹۵) است. در این پرسشنامه از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود مهمترین هدف خود را در هر یک از ده حیطه زندگی (برای نمونه، روابط با خانواده، همسر و بستگان) که در پرسشنامه ذکر شده در نظر بگیرند. سپس از آنها خواسته می‌شود تا بر روی ۱۱ جنبه، دیدگاهها و احساسات خود را در باره رسیدن به هر هدف درجه بندی کنند. این جنبه‌ها عبارتند از: (الف) اشتیاق به هدف؛ (ب) انزجار از هدف؛ (ج) میزان کنترل؛ (د) میزان اطلاعات؛ (ه) میزان موفقیت در صورت تلاش؛ (و) میزان موفقیت به دلیل شانس؛ (ز) میزان خشنودی در صورت رسیدن؛ (ح)

<sup>۱</sup> Personal Concerns Inventory

<sup>۲</sup> Motivational Structure Questionnaire

میزان ناخشنودی در صورت رسیدن؛ (ط) میزان غمگینی از نرسیدن؛ (ی) میزان تعهد؛ و (ک) مدت زمان لازم برای دستیابی به هدف یا حصول پیشرفت.

شواهد حاکی از روایی و پایایی قابل قبول پرسشنامه ساختار انگیزشی MSQ است. در تأیید روایی MSQ برای نمونه، پژوهشی است که نشان می دهد رسانایی پوستی در آزمودنی ها با مشاهده اهدافی که در پرسشنامه MSQ انتخاب کرده بودند، افزایش می یابد (نیکولا، کلینگر و لارسن گاتمن، ۱۹۹۳؛ به نقل از ککس و کلینگر، ۲۰۰۲). هم چنین، در پژوهش دیگری مشخص شد بین رؤیاهای شرکت کنندگان و محتوای دغدغه های جاری آنها، که قبل از خواب برای آنها خوانده شده بود، رابطه وجود دارد (نیکلز و همکاران، ۱۹۹۸؛ ککس و کلینگر، ۲۰۰۲).

در پژوهش صالحی فدردی (۲۰۰۳)، فرم خلاصه شده PCI با ۱۰ شاخص، بر روی دو نمونه شامل دانشجویان و سوء مصرف کنندگان الکل صورت گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای نمونه شامل دانشجویان ۰/۷۷ و برای نمونه شامل سوء مصرف کنندگان الکل ۰/۷۵ محاسبه شد.

به منظور بررسی پایایی در یک نمونه ایرانی، پس از ترجمه PCI به فارسی، بر روی ۱۲۰ نفر شامل ۴۰ دانش آموز (۴۵٪ زن، میانگین سن = ۲۵/۱۷، انحراف استاندارد = ۰/۸۸) و ۸۰ بزرگسال (۵۰٪ زن، میانگین سن = ۴۲/۲۶، انحراف استاندارد = ۵/۱۸) اجرا شد (آقامحمدیان شهرباف و صالحی فدردی، ۲۰۰۴). فرم PCI به روش مصاحبه فردی در مورد هر شرکت کننده اجرا شده بود. نتایج بدست آمده نشان داد که فرم فارسی دارای همسانی درونی مناسب برای هر یک از مؤلفه ها و نیز برای کل آزمون می باشد.

**پرسشنامه رضایت زناشویی.** پرسشنامه رضایت زناشویی (صالحی فدردی، ۱۳۷۸)، از ۴۹ عبارت تشکیل شده است که چهار حیطه جاذبه<sup>۱</sup>، تفاهم<sup>۲</sup>، طرز تلقی<sup>۳</sup> و سرمایه گذاری<sup>۴</sup> را تحت پوشش قرار می دهد. از پاسخ دهندگان خواسته می شود هر عبارت را در مقیاسی از (۱) کاملاً مخالفم تا (۴) کاملاً مخالفم درجه بندی کنند. نمرات هر یک از مقوله ها، با جمع مؤلفه های مربوط به آنها محاسبه می شود و میانگین این چهار مقوله تحت عنوان نمره کلی رضایت زناشویی محاسبه می شود. برای این منظور قسمتی از سؤالات به صورت مستقیم و قسمتی به صورت معکوس نمره گذاری می شود.

پرسشنامه رضایت زناشویی به همراه مقیاس تفکرات غیر منطقی<sup>۵</sup> بر روی ۱۴۲ دانشجوی زن و مرد

<sup>۱</sup> Attraction

<sup>۲</sup> Rapport

<sup>۳</sup> Attitude

<sup>۴</sup> Investment

<sup>۵</sup> Irrational beliefs scale

متأهل دانشگاه فردوسی اجرا شد. همسانی درونی به عنوان شاخصی از اعتماد این پرسشنامه در حد نسبتاً بالایی ( $\alpha = 0/88$ ) بدست آمد. به علاوه، از نظر مدارک مربوط به روایی سازه<sup>۱</sup>، همبستگی بین نمرات هر یک از مقوله‌ها با یکدیگر و با نمره کلی پرسشنامه معنی‌دار بود ( $r = 0/83$ ،  $p = 0/001$ ) و همچنین تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد، در مقایسه‌ی میزان رضایت از زندگی در دو گروه که تفکرات غیر منطقی زیادی داشتند و آنهایی که این تفکرات را کمتر داشتند، از نظر میزان رضایت از زندگی (و مقوله‌های آن) تفاوت معناداری ( $p = 0/001$ ) وجود داشت.

### نتایج

میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان، سنوات ازدواج، تعداد فرزندان، سن همسر، شغل همسر و نمره کلی رضایت زناشویی، به تفکیک جنسیت در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان، سنوات ازدواج، تعداد فرزند، سن همسر، شغل همسر و نمره کلی رضایت زناشویی

جنسیت		زن (N=97)		مرد (N=25)		متغیرها
M	SD	M	SD	M	SD	
۲۹/۳۲	۴/۷	۲۶/۲۲	۵/۰۲			سن
۴۰/۲۸	۳۷/۳۲	۶۷/۳۶	۶۶/۵۷			سنوات ازدواج (به ماه)
۰/۶	۰/۷۶	۰/۸	۱			تعداد فرزندان
۲۳/۴۳	۳/۱۵	۲۹/۹۵	۵/۳۷			سن همسر
۱/۸۴	۰/۳۷	۱/۴۴	۰/۴۹			شغل همسر
۴۱/۴۴	۵/۴۲	۴۱/۳۸	۴/۴۲			نمره کلی رضایت زناشویی

### تحلیل مؤلفه‌ای داده‌های PCI

در اکثر پژوهش‌های اخیر که با پرسشنامه دغدغه‌ها یا پدیدارهای شخصی (PCI) صورت گرفته، اغلب از روش تحلیل مؤلفه اصلی به منظور خلاصه کردن داده‌های آن، استفاده شده است (برای نمونه، ککس، بلانت، بر و هزیر، ۲۰۰۰؛ ککس و کلینگر، ۲۰۰۲؛ ککس و همکاران، ۲۰۰۲؛ هوزیر، ۲۰۰۲؛ به نقل از صالحی فدردی، ۲۰۰۳).

<sup>۱</sup> Construt validity



تحلیل مؤلفه اصلی داده های PCI را به دو عامل انگیزش انطباقی و انگیزش غیرانطباقی خلاصه کرده است. نتایج تحلیل مؤلفه اصلی در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل مؤلفه داده های PCI

مؤلفه ۲	مؤلفه ۱	مؤلفه های PCI
	۰/۷۵	شاخص انگیزش اشتیاقی
۰/۳۱	-۰/۳۱	شاخص انگیزش اجتنابی
۰/۳۱	۰/۸۴	میزان کنترل
۰/۴۰۹	۰/۷۳	میزان اطلاعات
	۰/۷۹	میزان موفقیت در صورت تلاش
۰/۷۶		میزان شانس
	۰/۷۷	میزان خشنودی در صورت رسیدن به هدف
		میزان ناخشنودی در صورت رسیدن به هدف
۰/۴۴	۰/۴۹	غمگینی از نرسیدن به هدف
	۰/۸۱	میزان تعهد
۰/۴۳		مدت زمان لازم برای دستیابی به هدف

شرکت کنندگانی که در مؤلفه ۱ (ساختار انگیزشی انطباقی) نمره بالای کسب کرده بودند، نظر خوشبینانه ای نسبت به دستیابی به اهدافشان و اطلاعات زیادی در مورد آن داشتند و برای دستیابی به آن احساس تعهد زیادی می کردند و تا حد زیادی بر اوضاع کنترل داشتند و همچنین موفقیت خود را در دستیابی به هدف در آینده نزدیک پیش بینی می کردند. آنها از نظر هیجانی درگیر اهداف خود بودند یعنی انتظار خشنودی فراوان در صورت موفقیت و غمگینی متعادل در صورت عدم دستیابی به اهداف را گزارش کردند. همچنین آنها به طور مشخص الگوی اشتیاقی را در دستیابی به اهداف شان گزارش کردند؛ این الگو پیشنهاد می کند که فرد گرایش دارد، به جای اجتناب از چیزهای نا مطلوب مورد نظر، در رسیدن، به انجام رساندن یا به دست آوردن چیزهایی تلاش کند که خواستار آن است.

شرکت کنندگانی که در مؤلفه ۲ (ساختار انگیزشی غیرانطباقی) نمرات بالایی کسب کرده بودند، بوسیله اجتناب کردن از چیزهای که نمی خواهند به جای تلاش در رسیدن به آنچه می خواهد، مشخص شده اند. عامل ۲ با انتظار احتمال دستیابی به اهداف، داشتن کنترل بر اوضاع به منظور دستیابی به اهداف، دسترسی به اطلاعات در مورد چگونگی دستیابی به آنها و خشنودی از دستیابی یا غمگینی از شکست در دستیابی به اهداف رابطه ای ندارد.

یک روش دیگر برای محاسبه انگیزش انطباقی، خلاصه عامل ۱<sup>۱</sup> نام دارد که بر اساس وزن‌های هر مؤلفه بوسیله صالحی فدردی (۲۰۰۵) تدوین شده است. برای محاسبه انگیزش انطباقی در این روش، مجموع وزن‌های منفی بالا از مجموع وزن‌های مثبت (در مؤلفه اول) تفریق می‌شود و بر تعداد کل مؤلفه‌ها تقسیم می‌شود. انگیزش انطباقی که با این روش محاسبه شد، با مؤلفه ۱ حاصل از تحلیل مؤلفه همبستگی مثبت ( $r=0/82, p = 0/001$ ) و با مؤلفه ۲ حاصل از تحلیل مؤلفه ای، همبستگی منفی ( $r=0/49, p = 0/001$ ) نشان داد. در ادامه در تحلیل رگرسیون از انگیزش انطباقی استفاده شد.

#### رگرسیون سلسله مراتبی

برای بررسی هدف پژوهش، درباره رابطه ساختار انگیزشی با رضایت زناشویی و مؤلفه‌های آن، از رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شده است تا تعیین کند که آیا بعد از کنترل اثر سایر متغیرها، افزایش در بعد انطباقی ساختار انگیزشی می‌تواند افزایش در رضایت زناشویی و مقوله‌های آن را پیش‌بینی کند. برای افزایش دقت مدل، متغیرهای انگیزش انطباقی، رضایت کلی زناشویی، جاذبه، تفاهم، طرزتلقی و سرمایه‌گذاری با استفاده از تبدیل سطحی<sup>۲</sup> نرمال شدند (کروس<sup>۳</sup> و کندی<sup>۴</sup>، ۱۹۷۷). جدول ۳ همبستگی درونی متغیرهای وارد شده در مدل را نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup>. Summary F1

<sup>۲</sup>. Area transformation

<sup>۳</sup>. Krus

<sup>۴</sup>. Kennedy

جدول ۳. همبستگی میان متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون

رضایت کلی زناشویی	جاذبه	تفاهم	طرز تلقی	سرمایه گذاری	سن	جنسیت	ماه های ازدواج	تعداد فرزند	سن همسر	شغل همسر
سن	-۰/۱۴	-۰/۲۱*	-۰/۱۲	-۰/۰۵۴	۰/۰۷۸					
جنسیت	۰/۰۹	-۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۱۰۴	۰/۲۴*					
ماه های ازدواج	-۰/۲۱*	-۰/۲۳**	-۰/۱۵*	-۰/۱۴	۰/۷۶**	-۰/۱۷*				
تعداد فرزند	-۰/۲۰۳*	-۰/۲۴**	-۰/۱۷*	-۰/۰۷	۰/۷۴**	-۰/۰۸	۰/۸۵**			
سن همسر	-۰/۰۶	-۰/۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	-۰/۱۲	-۰/۴۶**	۰/۸۱**	۰/۷۱**		
شغل همسر	-۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۴	-۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۳۴**	۰/۱۳	۰/۱۱	-۰/۱۰۸	
انگیزش اشتیاقی	۰/۲۵**	۰/۲۸**	۰/۱۸*	۰/۱۱*	-۰/۳۲**	-۰/۱۵*	-۰/۰۲	-۰/۰۸	-۰/۰۵	-۰/۰۶

\*  $p < .05$ , \*\*  $p < .01$

بر اساس جدول ۳ مشخص می‌شود که رضایت کلی زناشویی با ماه‌های ازدواج و تعداد فرزند همبستگی منفی و با انگیزش انطباقی همبستگی مثبت دارد. میزان جاذبه در زندگی زناشویی با ماه‌های ازدواج و تعداد فرزند همبستگی منفی و با انگیزش انطباقی همبستگی مثبت دارد. میزان تفاهم در زندگی طرز تلقی افراد در زندگی زناشویی تنها با انگیزش انطباقی همبستگی مثبت دارد. میزان سرمایه‌گذاری افراد در زندگی زناشویی با ماه‌های ازدواج و تعداد فرزند همبستگی منفی و با انگیزش انطباقی همبستگی مثبت دارد.

تحلیل رگرسیون انجام شده برای آزمون فرضیه پژوهش، سه مجموعه از پیش‌بینی‌کننده‌ها را شامل شد که تحت عنوان سه گام وارد مدل شدند. در گام اول، سن اولین متغیری است که وارد تحلیل رگرسیون شد؛ بر پایه شواهدی که نشان دهنده تأثیر سن بر رضایت زناشویی است. برای نمونه، پژوهش گیلفورد<sup>۱</sup> و بنجسن<sup>۲</sup> (۱۹۹۷)؛ به نقل از گتن<sup>۳</sup>، هرسن<sup>۴</sup>، کباکف<sup>۵</sup> و ون هازلت<sup>۶</sup> (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که با افزایش سن، کیفیت رابطه زناشویی بهبود می‌یابد. سپس متغیر جنسیت وارد تحلیل رگرسیون می‌شود چرا که در مورد تأثیر جنسیت بر رضامندی زناشویی نیز شواهدی وجود دارد. برای نمونه پژوهش ویسفیلد<sup>۷</sup> و استک<sup>۸</sup> (۲۰۰۲) حاکی از تأثیر تفاوت‌های جنسیتی بر رضایت زناشویی است. همچنین فالکنر<sup>۹</sup>، داوی<sup>۱۰</sup> و داوی (۲۰۰۵) شواهدی مبنی بر تأثیر جنسیت بر رضایت و تعارض در روابط زناشویی در مردان و زنان یافتند. سپس سال‌های تأهل وارد تحلیل رگرسیون می‌شود تا تأثیر آن نیز بر متغیر ملاک تعیین شود. بعضی از پژوهش‌ها حاکی از رابطه مثبت بین طول مدت ازدواج و رضایت زناشویی است. برای نمونه، پژوهش میراحمدی زاده، نخعی، طباطبایی و شفیعیان (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که میانگین سالهای تأهل در متقاضیان طلاق کمتر است. در مقابل، بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که با افزایش سالهای ازدواج رضایت زناشویی کاهش می‌یابد (ناصری، رئیسی، جعفری و رحمانی، ۱۳۸۳). نتایج بعضی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که با وجود فرزند از رضایت زناشویی کاسته می‌شود. برای نمونه،

<sup>1</sup> Guilford

<sup>2</sup> Bengtson

<sup>3</sup> Gagnon

<sup>4</sup> Herson

<sup>5</sup> Kabacoff

<sup>6</sup> Van Hasselt

<sup>7</sup> Weisfeld

<sup>8</sup> Stack

<sup>9</sup> Faulkner

<sup>10</sup> Davey

پژوهش تونج<sup>۱</sup>، کمبل<sup>۲</sup> و فاستر<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که والدین در مقابل همسران بدون فرزند، رضایت زناشویی کمتری را گزارش می‌کنند. با وجود این، پژوهش‌های دیگری در نقطه مقابل این یافته وجود دارند. برای نمونه، پژوهش کلینز<sup>۴</sup> و کلترنس<sup>۵</sup> (۱۹۹۱؛ به نقل از رزن-گرندن<sup>۶</sup>، میرز<sup>۷</sup> و هتی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴) حاکی از وجود رابطه مثبت بین وجود فرزندان و رضایت زناشویی است. هم‌چنین گاتمن<sup>۹</sup> و لازر<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۴)، در پژوهش خود نشان دادند، والدین در مقایسه با همسران بدون فرزند رضایت زناشویی بیشتری را گزارش می‌کنند. با در نظر گرفتن شواهد موجود، تعداد فرزندان شرکت‌کنندگان نیز در گام اول وارد تحلیل رگرسیون شد تا اثر آن نیز بر متغیر ملاک (رضایت زناشویی) کنترل شود. گام دوم اثر سن و شغل همسران آزمودنیها را بر رضایت زناشویی کنترل شد. در گام سوم با کنترل اثر متغیرهای پیشین، اثر انگیزش انطباقی بر متغیر ملاک محاسبه شد.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون متغیرها در پیش بینی رضایت زناشویی

گام‌ها	متغیرها	B	SE B	t	AR <sup>2</sup>	$\beta$
۱	سن	۰/۰۰۱	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱۸	۰/۰۳
	جنسیت	-۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۵۷		۰/۰۶
	سال‌های تأهل (به ماه)	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	-۰/۶۳		-۰/۱۳
	تعداد فرزند	-۰/۰۸	۰/۱۹	-۰/۴۶		-۰/۰۸
۲	سن همسر	۰/۱۲	۰/۰۳	۳/۴۱	۰/۰۹۷**	۰/۷۱
	شغل همسر	۰/۰۴	۰/۱۹	-۰/۲۳		-۰/۰۲
۳	انگیزش انطباقی	۰/۲۶	۰/۰۸	۳/۰۳	۰/۰۶۸**	۳/۰۳

\*  $p < .05$ , \*\*  $p < .0$ 

اولین مجموعه پیش‌بینی‌کننده‌ها (شامل: سن، جنسیت، سال‌های تأهل و تعداد فرزندان)، تنها ۱/۸ درصد از تغییر در واریانس را محاسبه کردند ( $p = ۰/۲۰۲$ ،  $F(4,110) = ۱/۵۱$ ،  $R^2 = ۱/۸$ ). دومین مجموعه

<sup>1</sup> Twenge<sup>2</sup> Campbell<sup>3</sup> Foster<sup>4</sup> Collins<sup>5</sup> Coltrane<sup>6</sup> Rosen-Grandon<sup>7</sup> Myers<sup>8</sup> Hattie<sup>9</sup> Gottman<sup>10</sup> Lazar

پیش‌بینی‌کننده‌ها (شامل: سن همسر و شغل همسر)، میزان معناداری از تغییر در رضایت زناشویی را پیش‌بینی کردند ( $p = ۰/۰۰۳$ ،  $F(۲,۱۰۸) = ۶/۱۴$ ،  $\Delta R^2 = ۹/۷$ ). انگیزش انطباقی در گام سوم، بعد از کنترل اثر متغیرهای پیشین، ۶/۸ درصد از تغییر در واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی کرد ( $p = ۰/۰۰۳$ ،  $\Delta R^2 = ۹/۲۲$ ،  $F(۱,۱۰۷) = ۶/۸$ ).

تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی در مورد اثر انگیزش انطباقی بر مقوله‌های رضایت زناشویی نیز انجام گرفته است. انگیزش انطباقی ۶/۷ درصد تغییرات در میزان جاذبه، ۳/۱ درصد تغییرات در میزان تفاهم و ۳/۵ درصد تغییرات در نوع طرز تلقی و ۱۰/۴ درصد تغییرات در میزان سرمایه‌گذاری را پیش‌بینی کردند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی روابط بین ساختار انگیزشی، رضایت زناشویی و مقوله‌های آن بود. نتایج نشان داد که افزایش در بعد انطباقی ساختار انگیزشی، با افزایش رضایت زناشویی و مقوله‌های آن (جاذبه، تفاهم، طرز تلقی و سرمایه‌گذاری) همراه است. جاذبه، در ارتباط زناشویی عمدتاً به جاذبه بدنی و جنسی تقسیم می‌شود (صالحی فدردی، ۱۳۷۸). رضایت جنسی عبارت است از قضاوت هر فرد راجع به رفتار جنسی خود که آن را لذت بخش تصور می‌کند (نورانی سعدالدین، جنیدی، شاکری و مخبر، ۱۳۸۸). در واقع، سازگاری از روابط جنسی به عنوان یکی از مهمترین عوامل در خوشبختی و موفقیت زندگی زناشویی به حساب می‌آید (سعدالدینی و همکاران، ۱۳۸۸). منظور از تفاهم، کیفیت ارتباط بین همسران است (صالحی فدردی، ۱۳۷۸). تفاهم و یا کیفیت ارتباط همسران و نقش آن در رضایت و یا عدم رضایت از زندگی مشترک از دیرباز مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است (کارسن<sup>۱</sup>، کارسن، گیل<sup>۲</sup> و باکم<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). برای نمونه نشان داده شده است که فقدان زمان‌هایی که همسران با یکدیگر می‌گذرانند و یا فقدان ارتباط کلامی، به عنوان مشخصه‌های مشکل در ارتباط با آشفستگی‌های زناشویی ارتباط دارد (راسل - چین<sup>۴</sup>، چین و ساتلر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، شیوه‌ای که افراد در جستجوی اهداف خود به کار می‌گیرند، در دستیابی به این دو هدف نیز که چنانچه ذکر شد، نقش مهمی در رضایت زناشویی دارند، نیز عاملی تأثیرگذار است. یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج پژوهش سلیمانیان (۱۳۸۴) را تأیید می‌کنند که نشان داد کاهش در بعد انطباقی ساختار انگیزشی، با

<sup>۱</sup> Carson

<sup>۲</sup> Gil

<sup>۳</sup> Baucam

<sup>۴</sup> Russel- Chapin

<sup>۵</sup> Sattler

آشفستگی های بیشتر زناشویی، همراه بود. در پژوهش سلیمانیان (۱۳۸۴)، دو بعد جاذبه و تفاهم، تحت عنوان رضایت جنسی و ارتباط همسران در پرسشنامه آشفستگی های زناشویی<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفت. با وجود این، نوع طرز تلقی و میزان سرمایه گذاری به عنوان دو بعد دیگر از رضایت زناشویی در ارتباط با ساختار انگیزشی، برای اولین بار در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفتند. از دهه ۱۹۸۰ تا کنون که موضوعات مربوط به شناخت در رضایت زناشویی مورد توجه قرار گرفته است، طرز تلقی به عنوان عاملی مؤثر مورد بررسی قرار گرفته است. ویسمن<sup>۲</sup> و دلینسکی<sup>۳</sup> (۲۰۰۲)؛ به نقل از برازنده، (۱۳۸۴)، طرز تلقی همسران را به عنوان تعمیم های شناختی تعریف می کنند که از تجربیات گذشته ریشه گرفته و پردازش اطلاعات مربوط به همسر را هدایت و سازمان دهی می کند. در این زمینه، نتایج اکثر پژوهش ها نشان می دهد که نوع طرز تلقی همسران از یکدیگر یا روابط شان، در دستیابی به رضایت زناشویی، نقش مهمی دارد (بردبری<sup>۴</sup>، فنچم<sup>۵</sup> و بیچ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰).

در خصوص رابطه بین طرزتلقی در زندگی زناشویی و ساختار انگیزشی، توجه به مؤلفه های آن حایز اهمیت است. یک طرز تلقی از سه بعد شناختی، ارزشی (عواطف) و رفتاری تشکیل می شود (آرنسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸). ابعاد مهمی از ساختار انگیزشی مانند جهت گزینی نسبت به اهداف (با دو نوع اشتیاقی و اجتنابی) و احساس تعهد و کنترل به عنوان مؤلفه هایی شناختی در نظر گرفته می شوند (سپهری شاملو، ۲۰۰۷). به لحاظ ارزشی نیز ساختار انگیزشی با نگرشها ارتباط می یابد که با میزان ناخشنودی در صورت رسیدن به هدف، میزان ناخشنودی در صورت رسیدن به هدف و میزان غمگینی از نرسیدن به هدف مشخص می شود. منظور از سرمایه گذاری، شکل کامل تری از نظریه تبادل اجتماعی است که در آن نسبت هزینه- بهره وری در یک رابطه طولانی مدت، مورد توجه است. بر این اساس، بخشی از رضایت زناشویی، حاصل تلاش های همسران در تعامل با یکدیگر است. بدین ترتیب که هر یک از همسران برای بهتر ساختن رابطه و نیز خوشایند طرف مقابل، کارهایی را انجام می دهد و یا از انجام کارهایی خودداری می کند (آرنسون، ۱۹۹۴). در پژوهش ارسبالات (۱۹۹۱)؛ به نقل از آرنسون، (۱۹۹۴) نشان داده شده است که بین میزان سرمایه گذاری یا تلاش فرد در یک رابطه و میزان رضایت از رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد. در بحث سرمایه گذاری می توان به شکل دیگری از رفتار مقابله ای نیز اشاره کرد، یعنی مقابل به مثل

<sup>۱</sup> Marital Distress Inventory

<sup>۲</sup> Whisman

<sup>۳</sup> Delinsky

<sup>۴</sup> Bradbury

<sup>۵</sup> Fincham

<sup>۶</sup> Beach

<sup>۷</sup> Aronson

کردن هنگامی که رفتار طرف مقابل پاداش دهنده است و خود داری از انجام عمل متقابل، هنگامی که رفتار طرف مقابل پاداش دهنده نیست (وگینز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). سرمایه‌گذاری می‌تواند نشان دهنده یکی از مصادیق کنترل بر روی هدف باشد. بدین ترتیب که با جبران رفتار پاداش دهنده، موجب افزایش بسامد این رفتار می‌گردد. همچنین، به منظور بهتر شدن رابطه، رفتاری خاص انجام می‌شود یا از انجام آن خودداری می‌شود. در نتیجه فرد کیفیت رابطه را خارج از کنترل خود نمی‌داند. علاوه بر آن، با خودداری از انجام عمل متقابل، در واقع فرد، تعهد خود را نسبت به بهبود رابطه نشان می‌دهد. باید توجه داشت که احساس کنترل یکی از مؤلفه‌های ساختار انگیزشی انطباقی است که در پژوهش سپهری شاملو (۲۰۰۷) نیز رابطه آن با ساختار انگیزشی نشان داده شده است.

ساختار انگیزشی از دو طریق می‌تواند رضایت زناشویی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. اول آن‌که، ساختار انگیزش یک الگوی کمابیش با ثبات در جستجوی اهداف است که در موفقیت یا شکست در دستیابی به اهداف نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اهمیت این نکته در پژوهش حاضر زمانی آشکار می‌شود که در نظر داشته باشیم یکی از اهداف عمده اکثر همسران، بهبود رابطه زناشویی شان می‌باشد.

در پرسشنامه دغدغه‌های شخصی (PCI) حیطه‌ای به طور خاص به عنوان رضایت زناشویی در نظر گرفته نشده است ولی این مفهوم می‌تواند در حیطه‌هایی مانند، روابط با خانواده، همسر و بستگان؛ عشق، صمیمیت و مسائل جنسی؛ و یا خانه و امور مربوط به آن، مورد توجه قرار گیرد. با وجود این، افراد در دستیابی به هدف رضایت از زندگی مشترک مانند اهداف دیگر بر اساس الگوی انگیزشی خود عمل می‌کنند که چنانچه ذکر شد این عامل بیش از عواملی از قبیل توانایی‌های ذهنی در موفقیت یا شکست در دستیابی به اهداف نقش دارد.

دوم آن‌که، رضایت از زندگی زناشویی را می‌توان یک جزء اساسی در رضایت کلی افراد از زندگی به حساب آورد و در این رابطه نشان داده شده است که وضعیت هیجانی افراد یکی از تعیین‌کننده‌های مهم رضایت از زندگی است (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴). در واقع، پژوهش‌های بسیاری نشان دادند که تغییرات هیجانی از حالت مثبت به منفی یا برعکس می‌تواند بسیاری از کارکردهای روان‌شناختی و فیزیولوژیکی را تحت تأثیر قرار دهند (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴). در این زمینه، رابطه بین هیجانات و دستیابی به اهداف، همواره مورد توجه بوده است. هیجان به عنوان مبنایی در نظر گرفته می‌شود که با توجه به آن امور مختلف ارزش‌گذاری می‌شود، هم در مورد اهداف بالقوه و هم در مورد پیشروی به

<sup>1</sup> Wiggins



سمت اهداف (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴). به بیان دیگر، هیجان‌ات، از طرفی در انتخاب اهداف، ارزیابی و پیگیری آنها، هدایت فرایند‌های روان‌شناختی به سمت آنها و واکنش به پیامدهای آنها نقش تعیین‌اساسی دارند و از طرفی دیگر، نتیجه برانگیخته شدن برای دستیابی به هدفی، تغییرات هیجانی در جهت مثبت یا منفی است.

بنابراین، با توجه به اینکه ساختار انگیزشی افراد نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا شکست در دستیابی به اهداف دارد، تغییر ساختار انگیزشی افراد به سمت ساختار انگیزشی انطباقی که در قالب مشاوره‌های انگیزشی با هدف بهبود روابط همسران مفید خواهد بود. چرا که در این درمان‌ها، نه تنها می‌توان هدف رضایت از زندگی مشترک را دنبال کرد، بلکه تصحیح شیوه‌های جستجوی هدف در افراد و افزایش احتمال موفقیت در افراد، نیز می‌تواند از طریق افزایش سلامت هیجانی در رضایت زناشویی نیز اثر داشته باشد.

## منابع

- برازنده، ه. (۱۳۸۴). رابطه معیارهای ارتباطی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سازگاری زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- سلیمانیان، ع. ا. (۱۳۸۴). بررسی اثربخشی و کارآمدی مشاوره انگیزشی نظام مند بر تعارض زناشویی، پایان نامه دکترا، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- صالحی فدردی، ج. (۱۳۷۸). رضامندی زناشویی: گزارشی از تدوین و هنجاریابی پرسشنامه رضایت زناشویی بر روی نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه فردوسی. فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، ۱۳ و ۱۴، ۸۴-۱۰۸.
- میراحمدی زاده، ع. ر؛ نخعی امرودی، ن؛ طباطبایی، س. ح. ر؛ و شفیعیان، ا. (۱۳۸۲). رضامندی زناشویی و عوامل اثرگذار بر آن در شیراز. فصلنامه اندیشه و رفتار، ۳۲، ۶۳-۵۶.
- ناصحی، ع؛ رئیس، ف؛ جعفری، م؛ و رحمانی، م. (۱۳۸۳). میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان ساکن خوابگاه. فصلنامه اندیشه و رفتار، ۲، ۱۲۱-۱۱۶.
- نورانی سعدالدین، ش؛ جنیدی، ا؛ شاکری، م. ح؛ و مخیر، ن. (۱۳۸۸). مقایسه رضایت جنسی در زنان بارور و نابارور مراجعه کننده به مراکز دولتی شهر مشهد. فصلنامه باروری و ناباروری، ۱۰ (۴)، ۲۷۷-۲۶۹.
- Aronson, E. (2008). *The social animal (10th ed.)*. New York: Worth/Freeman.
- Aronson, E., Wilson, T. D., & Akert, R. M. (1994). *Social Psychology: The Heart and the Mind*. New York: Harper Collins pub.
- Bradbury, T., Fincham, F. D., & Beach, S.R.H. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: a decade in review. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 964-980.
- Carson, J. W., Carson, K. M., Gil, K. M., & Baucom, D. H. (2004). Mindfulness- Based relationship enhancement. *Behavior Therapy*, 35, 471- 494.
- Cox, W. M., & Klinger, E. (2002). Motivational structure relationship with substance use and processes of change. *Addictive Behaviors*, 27, 925-940.
- Cox, W. M., & Klinger, E. (2004). *Handbook of Motivational Counseling*. London: Wiley.
- Elliot, A. J., & Church, M. A. (2002). Client articulated avoidance goals in the therapy context. *Journal of Counseling Psychology*, 49, 243-254.
- Elliot, A. J., & Sheldon, K. M. (1998). Avoidance Personal goals and the personality-illness relationship. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 1282-1299.
- Fardadi, J. S. (2003). Cognitive-Motivational Determinants of Attentional Bias for Alcohol-Related Stimuli: Development of an Attentional-Control Training Programme. Unpublished Ph.D. Thesis, University of Wales, Bangor.
- Fardadi, J. S., & Cox, W. M. (2008). Alcohol-attentional bias and motivational structure as independent predictors of social drinkers' alcohol consumption. *Drug Alcohol Depend*, 97(3), 247-256.
- Falkner, R. A., Davey, M., & Davey, A. (2005). Gender-related predictors of change in

- marital satisfaction and marital conflict. *American Journal of Family Therapy*, 33(7), 61-83.
- Gagnon, M. D., Herson, M., Kabacoff, R. L., & Van Hasselt, V. B. (1999). Interpersonal and psychological correlates of marital dissatisfaction in late life: a review. *Clinical Psychology*, 19(3), 359-378.
- Guttman, J., & Lazar, A. (2004). Criteria for marital satisfaction: does having a child make a difference? *Journal of Reproductive & Infant Psychology*, 22(3), 147-156.
- Halisch, F., & Geppert, U. (1998). Motives, personal goals, and life satisfaction in old age: First result from the Munich Twin Study (GOLD). *Munich, Germany: Max Planck Institute for Psychological Research*.
- Kaplan, M., & Maddux, J. (2002). Goals and marital satisfaction: perceived support for personal goals and collective efficacy for collective goals. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 21(2), 157-164.
- Klinger, E. (1977). *Meaning and Void: Inner Experience and the Incentives in People's Lives*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Klinger, E., Cox, W. M., & Blount, J. P. (1995). *Motivational structure questionnaire for alcoholics*. In: NIAAA, Handbook of Alcoholism Treatment Assessment Instruments,
- Krus, D. J., & Kennedy, P.H. (1977). Lost: McCall's T scores: why? *Educational and Psychological Measurement*, 37, 257-261.
- Nikles, C., Brecht, D., Klinger, E., & Bursell, A. (1998). The effects of current-concern and nonconcern-related waking suggestions on nocturnal dream content. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 242-255.
- Pintrich, P. R. & Schunk, D. H. (2002). *Motivation in education: Theory, research, and applications*. (2nd Ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Qadir, F., Desilva, D., Prince, M., & Khan, M. (2005). Marital satisfaction in Pakistan: a pilot investigation. *Sexual and Relation Therapy*, 20(2), 195-209.
- Reeve, J. (2002). Self-determination theory applied to educational settings. In E. L. Deci, & R. M. Ryan (Eds.), *Handbook of self-determination research* (183-203). Rochester, NY: University of Rochester.
- Roberson, L. (1989). Assessing Personal work in the organizational setting: Development and evaluation of the Work Concerns Inventory. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 44, 345-367.
- Rosen-Grandon, J. R., Myers, J. E., & Hattie, J.E. (2004). The relation between marital characteristic, marital interaction processes, and marital satisfaction. *Journal of counseling & Development*, 82(1), 58-68.
- Russel- Chapin. L. A., Chapin. T. J., & Satler, L. G. (2001). The relationship of conflict resolution styles and certain marital satisfaction factors to marital distress. *The family Journal*, 9(3), 259- 264.
- Schmuck, P. (2006). *Education Occurs in Organizations*. Eugen, OR: University of Oregon.
- Seligman, M. E. P. (1991). *Learned optimism*. New York: Alfred A. Knopf.
- Sellen, J. L., McMurrin, M., Cox, W. M., Theodosi, E., & Klinger, E. (2006). The Personal Concerns Inventory (Offender Adaptation): measuring and enhancing motivation to change. *Int J Offender Ther Comp Criminol*, 50(3), 294-305.
- Shamloo, Z.S. (2007). *Information Enhancement and Goal Setting: Interventions for Enhancing Motivation*. Unpublished Ph.D. Thesis, University of Bangor.

- Shapiro, D. H. (1994). *Manual of the Shapiro control inventory (SCI)*. Palo Alto, CA: Behaviordata, Inc.
- Sharbaf, H. A., Fadardi, J. S., & Cox, W. M. (2004). *12<sup>th</sup> Iranian Researchers Conference in Europe*, July 2004, University of Manchester.
- Twenge, J. M., Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2003). Parenthood and marital satisfaction: a meta-analytic review. *Journal of Marriage and Family*, 65, 574-583.
- Weisfeld, C. C., & Stack, M. A. (2002). When I look into your eyes. *Psychology, Evolution & Gender*, 4(2), 125-148.
- Wiggins, J. W., & Wiggins, B. (1994). *Social Psychology*. New York: McGraw-Hill.